



DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.56.1.0

تحلیل تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی

مهدی خبازیان^۱ | بهزاد قاسمی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی پرداخته است (هدف). با توجه به اهمیت تأثیر گفتمانی انقلاب اسلامی بر تضعیف رژیم صهیونیستی و وجود چالش‌های درونی رژیم، این مسئله همچنان قابلیت بحث و بررسی دارد (مسئله). سوال پژوهش این است که، انقلاب اسلامی چه تأثیری بر تضعیف و آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی داشته است و عوامل درونی آن چگونه در آینده رژیم نقش‌آفرینی می‌کند؟ (سوال) گفتمان انقلابی سبب مشروعیت‌زدایی از رژیم شده و مشکلات درونی رژیم صهیونیستی نیز سبب ضعف آن خواهد شد (فرضیه). گفتمان انقلاب اسلامی منجر به نفوذ و توسعه منطقه‌ای و افزایش بازدارندگی محور مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی شده که حاصل آن فشار بر رژیم در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی است. همچنین چالش‌های درونی رژیم در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و از هم گسیختگی توازن جمعیتی و عدم انسجام که از موانع جدی بقای آن خواهد بود را افزایش خواهد داد (یافته). مقاله با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته (روش تحقیق) و نتایج آن نشان می‌دهد؛ انقلاب اسلامی سبب تغییر در اصول و ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه شده و تأثیراتی در منطقه گذاشته است. اصول و هنجارهای حاکم بر انقلاب اسلامی سبب نفی صهیونیسم و مقابله با رژیم اشغالگر قدس تا نابودی و اضمحلال آن به عنوان غاصب سرزمین فلسطین است. چالش‌های درونی رژیم آسیب‌پذیری آن را بالا برده و بقای رژیم را دچار مسئله کرده است. در نتیجه، گفتمان انقلابی با هژمون شدن در سطح منطقه، موجب تضعیف قدرت آن خواهد شد (نتایج).

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی؛ مقاومت اسلامی؛ افول، یهود؛ رژیم صهیونیستی؛ فروپاشی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب بروز تحولاتی در منطقه شد. این انقلاب از بطن مردم شروع و با شعار «نه شرقی، نه غربی» در اجرای سیاست‌های مستقل «لا تظلم و لا تظلمون» مبنی بر نفی ظلم‌پذیری و مبارزه با استکبار گام برداشت. انقلابی که مشی آن مبتنی بر اسلام سیاسی در ابعاد داخلی و خارجی بوده و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مبارزه علیه رژیم صهیونیسم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در گفتمان انقلاب اسلامی برخوردار گردید. بر همین مبنا، نظام جمهوری اسلامی از همان ابتدای استقرار نظام سیاسی، خواستار قطع کامل روابط با رژیم صهیونیستی شد. پس از آن یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، برای دیدار با حضرت امام خمینی (ره) به تهران آمد و پرچم فلسطین به دست عرفات بر ساختمان نمایندگی رژیم صهیونیستی افزاشته شد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۱). همچنین در راستای ایجاد ساختار مناسب در دستگاه‌های اجرایی کشور، قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مشتمل بر هشت ماده و یک تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان نیز رسید. طبق این قانون، جمهوری اسلامی ایران ملزم می‌شود «از مردم ستمدیده و آواره و مبارز فلسطین تا رسیدن به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع کند». بر اساس این قانون، جمهوری اسلامی ایران، بیت المقدس را به عنوان موطن و مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت می‌شناسد و از تمام کشورهای اسلامی تقاضا دارد این شهر را به عنوان مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت بشناسد. از دیگر اقدامات جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین، اعلام روز قدس در آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان توسط امام خمینی (ره) بود (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۳۳۳). مهمترین اقدام در اجرای سیاست‌های انقلاب اسلامی برای حمایت از فلسطین و آزادسازی این سرزمین از اشغال صهیونیسم، تشکیل نیروی قدس سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۸ بود. در واقع تشکیل این نیرو با هدف عملیاتی کردن طرح‌ها و تئوری‌های انقلاب اسلامی در ضدیت و اضمحلال رژیم صهیونیستی بوده و دلیل منازعه ایران با رژیم صهیونیستی، عدم مبنای حقوقی، مشروعیت تاریخی و جغرافیایی رژیم صهیونیستی است.

بر این اساس، دیدگاه رهبران و مسئولان انقلاب اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی نقش مهمی در تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های فراملی داشته که نتیجه آن، تاکید بر عدم مشروعیت این رژیم و تشکیل محور مقاومت^۱ است. محور مقاومت در واقع به کشورها، جنبش‌ها و گروه‌هایی گفته می‌شود که هدف اصلی آن مبارزه و نابودی رژیم صهیونیستی و مبارزه با ظلم است. با این وصف، در این پژوهش تبیین تاثیر انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن بر تضعیف رژیم صهیونیستی و همچنین تحلیل موانع و چالش‌های اساسی درون رژیم صهیونیستی بر اضمحلال و فروپاشی آن، به عنوان یک مسئله مورد توجه واقع شده است. پژوهش حاضر از حیث هدف بنیادی و از نوع روش کیفی و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی بوده و هدف از آن، بررسی تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آینده رژیم صهیونیستی است. هژمون شدن گفتمان انقلاب اسلامی در سطح منطقه منجر به تضعیف رژیم شده و موجبات افول آن را فراهم خواهد آورد. اهمیت این پژوهش در جامعیت آن است. این پژوهش علاوه بر مسائل مبنایی، بر رو ساخت‌ها و پتانسیل بالای گفتمان انقلاب اسلامی در ناکامی و مواجهه با ایدئولوژی صهیونیسم مبنی بر توسعه سرزمینی از نیل تا فرات، تاکید دارد. همچنین، توجه به اهمیت محور مقاومت جهت مقابله با رژیم صهیونیستی و لزوم پرداختن به ظرفیت‌های گفتمانی و مطالعه آثار و تبعات آن بر رژیم، ضرورت آن را نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در خصوص علل دشمنی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و روابط خصومت آمیز آنها به نگارش در آمده است. همچنین پژوهش‌هایی درباره شکل‌گیری پدیده رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین انجام شده، اما کمتر پژوهشی بطور بنیادین تاثیر عملی و عینی گفتمان انقلاب اسلامی بر رژیم صهیونیستی را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش حاضر به صورت نظری و گفتمانی و همچنین مصادیق عینی به تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آسیب پذیری و مسئله بقای رژیم صهیونیستی پرداخته است.

1- Axis of Resistance

کیهان برزگر (۱۳۹۹)، «امکان سنجی رویارویی نظامی رژیم صهیونیستی با ایران»؛ به بررسی احتمال رویارویی نظامی ایران و رژیم صهیونیستی و واکنش احتمالی آمریکا نسبت به آن پرداخته است که با تحولات پویای منطقه‌ای و تقویت قدرت متقارن (موشکی) و غیرمتقارن (بازشدن جبهه‌های جدید در محور مقاومت) مسئله بقای رژیم صهیونیستی مورد چالش جدی‌تری قرار گرفته و همین امر سیاست داخلی رژیم صهیونیستی را به سمت فشار به رژیم این کشور برای پرهیز از هرگونه ماجراجویی نظامی علیه ایران هدایت می‌کند. محمد علی محیطی اردکان و علی قانع اردکانی (۱۳۹۸)، «پژوهشی در مبانی نظری پیش بینی مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی رژیم صهیونیستی»؛ نتایج مقاله نشان می‌دهد که امکان نابودی رژیم صهیونیستی مبتنی بر بیانات رهبری ریشه قرآنی دارند. وحیده احمدی (۱۳۹۸)، «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل»؛ نتایج نشان می‌دهد که تا کنون رژیم صهیونیستی سیاست‌های خود را در قالب چهار راهبرد به پیش برده که از تلاش برای همکاری جویی تا ستیزه جویی فعالانه را شامل شده و جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل، دو راهبرد مشخص (جنگ‌های نامنظم برای شکستن دیوارهای امنیتی و بازدارندگی متقابل جهت حفظ محور مقاومت) برای مقابله با این رژیم در پیش گرفته است. میلاد زبردست (۱۳۹۷)، «سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال محور مقاومت»؛ از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی، همواره احساس ناامنی و خطرات ناشی از همسایگان عرب، امنیت و بقای آن را تهدید کرده که بر سیاست خارجی و امنیتی این رژیم تأثیر داشته است. جواد عرب عامری و محمد جعفر جوادی ارجمند (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی نگاه به رژیم صهیونیستی در گفتمان سیاست خارجی ایران» به مطالعه موردی گفتمان غرب‌گرای پهلوی دوم و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته که تلقی از رژیم صهیونیستی در گفتمان سیاست خارجی پهلوی دوم به مثابه «خودی» و در گفتمان سیاست خارجی اسلام سیاسی امام خمینی به عنوان «دیگری» بوده است.

مباحث نظری

انقلاب اسلامی به عنوان یک تحول سیاسی- اجتماعی که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، با گفتمانی مستقل از دو گفتمان حاکم بر جهان، اعلام هویت کرد. گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر

اسلام ناب، در تقابل با لیبرالیسم و کمونیسم بوده و در همان ابتدا امام خمینی (ره) «به مذلت نشانیدن ابرقدرت‌ها و شکسته شدن ابهت شرق و غرب» را فریاد زدند. از این جهت، گفتمان مقاومت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی هویدا شد و در مقابل دیگر گفتمان‌ها قرار گرفت. پس گفتمان مقاومت پادگفتمان‌های متفاوتی دارد که می‌تواند لیبرالیسم یا کمونیسم باشد. نگاه انقلاب اسلامی از همان ابتدا نسبت به رژیم صهیونیستی در چارچوب گفتمان «غیر و دیگری» (لاکلاو و موفه) قرار داشت. یعنی رژیم صهیونیستی به عنوان متخاصم، مهمترین «دیگر» هویتی انقلاب و جمهوری اسلامی تعریف شد که نه تنها در مقابل ایران بلکه در دیدگاه ایران انقلابی، در مقابل تمام «ملل مسلمان و مستضعف جهان» و «حرکت‌ها و نهضت‌های آزادیبخش» قرار دارد (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۷).

هژمونی از دیگر مفاهیم اساسی است که از حیث شکل‌گیری یک گفتمان در مخالفت با «دیگری» اهمیت می‌یابد. هژمونی سلطه مبتنی بر رضایت به جای استفاده از زور است. بنابراین، هژمونی نوعی منطق سیاسی است که به ایجاد اجماع و عقل سلیم جدید منجر می‌شود (Howarth, 2000: 15) در همین راستا، اعمال هژمونیک برای تثبیت گفتمان‌های معین، دارای دو شرط است: نخست، وجود خصومت و نیروهای متخاصم. دوم، بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کند. هدف اعمال هژمونیک نیز ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورت‌بندی هژمونیک است (حقیقت و حسینی زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

از دیگر مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، عامل قدرت است. قدرت به منزله شبکه‌ای از مناسبات است که همواره در حال گسترش و فعالیت است. طبق این نظریه، تمام اعضای یک جامعه، گروه و یا محور کم و بیش درگیرند و همگی در مسیر اعمال قدرت هستند. همچنین قدرت یک استراتژی است. هر جا قدرت است، مقاومت نیز وجود دارد. از این رو، شرط وجود قدرت رابطه مستمر آن با مبارزه، مقاومت و آزادی افراد زیر سلطه است (دریفوس و رایینو، ۱۳۸۷: ۳۵۸). به نحوی که نظام‌های قدرت، حقیقت را ایجاد و تقویت می‌کنند و حقیقت نیز تأثیرات قدرت را القا و گسترش می‌دهد. مفهوم قدرت در رویکرد لاکلاو و موفه شبیه برداشت فوکو است، قدرت چیزی به شمار نمی‌آید که افراد در اختیار داشته باشند و در برابر دیگران به کار

گیرند، بلکه مولد امر اجتماعی تلقی می‌شود. در واقع، این قدرت است که هویت و نحوه ارتباط ما با یکدیگر را در قالب گروه یا فرد خلق می‌کند. بنابراین، در منازعات سیاسی، گفتمانی پیروز است که به ابزارهای قدرت بیشتر دسترسی داشته باشد. فرکلاف برای توضیح این مطلب، از مفهوم «قدرت پشت گفتمان» استفاده کرده است (Fairclough, 2001: 46-53).

آنچه در تحلیل علل گفتمان «دیگر و غیر» و گفتمان «قدرت» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد. گفتمان انقلاب اسلامی (مقاومت) دارای عناصر و مؤلفه‌های مهمی است که در دو دسته طبقه‌بندی می‌شود؛ یک بخش نفی یا سلبی و بخش دیگر اثباتی و ایجابی است. مهم‌ترین بُعد سلبی گفتمان مقاومت عبارتند از؛ سلطه‌ستیزی و خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل، نفی تجاوز طلبی است. بخش ایجابی و اثباتی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی. مؤلفه‌های مذکور گفتمان مقاومت را به عنوان یک نوع گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌بینانه مطرح می‌کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۱).

بی‌تردید انقلاب اسلامی تأثیراتی بر عدم پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین و تأکید بر ضرورت مبارزه با رژیم صهیونیستی گذاشته که بر مبانی دینی استوار است. گفتمان مقاومت، استفاده از قدرت در ضدیت با رژیم اشغالگر قدس به عنوان شفاف‌ترین و جدی‌ترین مناقشات جاری در منطقه را نشان می‌دهد. دستاورد گفتمان مقاومت، موجب محدودیت و تضعیف رژیم صهیونیستی و جلوگیری از توسعه مرزهای آن رژیم شده و در مقابل، توسعه مرزهای جهادی و عقیدتی انقلاب اسلامی، از عراق و سوریه و لبنان و فلسطین تا یمن و شمال آفریقا را در پی داشته و رزمندگان مقاومت در تمامی مرزهای انقلاب اسلامی در دشمنی با رژیم صهیونیستی و نابودی این رژیم، مصمم هستند.

زمینه‌های شکل‌گیری رژیم صهیونیستی

از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به توافق سایکس پیکو (۱۹۱۶م) بر می‌گردد. طبق این توافق، فلسطین به انگلیس واگذار شد. در جنگ جهانی اول، صهیونیست‌ها به

انگلیس قول دادند تا در صورتی که بریتانیا، قیمومیت فلسطین را به سازمان جهانی صهیونیسم^۱ واگذار کند، آنها هم آمریکا را به جنگ جهانی اول خواهند کشاند. بدین ترتیب، انگلیس با این پیشنهاد موافقت کرد. با باز شدن پای آمریکا به جنگ، ارتش آلمان شکست خورد و بریتانیا که در حال شکست بود، با پیروزی در جنگ، از امپراتوری عثمانی و آلمان امتیاز گرفت (رویوران، قدسنا، ۱۳۹۹: ۱). با فروپاشی امپراتوری عثمانی، فلسطین که مستعمره آن امپراتوری بود، تحت قیمومیت بریتانیا در آمد. در سال ۱۹۱۷م، انگلیس طی بیانیه بالفور، فلسطین را به عنوان خانه ملی یهودیان اعلام و آن را به جنبش صهیونیسم واگذار کرد. بیانیه بالفور، سرآغاز تلاش برای تأسیس کشور رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی است.

پس از آن، سازمان جهانی صهیونیسم در مهاجرت یهودیان به سمت فلسطین تلاش کرد و انگلیس نیز ادعا می‌کرد که در اداره کردن فلسطین، از سیاست بی‌طرفی پیروی می‌کند، اما جنگ جهانی دوم ماهیت این سیاست و اهداف استعماری انگلیس را برملا ساخت. در طول این سال‌ها، انگلیس همانند سابق اجازه داد تا مهاجرت یهودیان به فلسطین ادامه یابد. در دسامبر ۱۹۴۴م، کمیته مرکزی حزب کارگر انگلیس، اعلام کرد؛ «تبدیل فلسطین به کشوری یهودی و بیرون راندن مردم عرب آن به کشورهای مجاور لازم و ضروری است» (رویوران، قدسنا، ۱۳۹۹: ۲). در سال ۱۹۴۶م، زمانی که حکومت انگلیس اطمینان پیدا کرد که شرایط برای تأسیس دولت یهودی در فلسطین آماده است، با حمایت آمریکا و جنبش جهانی صهیونیسم مسئله را در سازمان ملل متحد، مطرح کرد. به این ترتیب قطعنامه ۱۸۱ برای تقسیم فلسطین در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م صادر شد (فونتن، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

در این رابطه، دولت «هاری ترومن»، رئیس‌جمهور آمریکا در تصویب طرح تقسیم سرزمین فلسطین در سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م نقش بسزایی داشت و منجر به پایان قیمومیت انگلستان بر این سرزمین در ۱۴ مه ۱۹۴۸م و تأسیس رژیم صهیونیستی شد. در همان ابتدا نیز، ترومن این دولت را به رسمیت شناخت. عموم مورخان به نقش مهم و حیاتی آمریکا در تأسیس رژیم صهیونیستی اذعان می‌کنند و ایالات متحده تا کنون بزرگترین و مهمترین هم‌پیمان رژیم

1-World Zionist Organization

صهیونیستی بوده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۰: ۳). از زمان ریاست جمهوری ترومن تا زمان فعلی، هر رئیس جمهوری که در آمریکا به قدرت رسید تعهد بر حفظ امنیت رژیم صهیونیستی را اعلام کرده و بر روابط متقابل دو دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی افزوده که در نتیجه آن، روابط دو دولت در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی شکل اتحاد پیدا کرده است. دیوید بن‌گوریون (David Ben Gurion) اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی معتقد بود که برای حفاظت از امنیت ملی رژیم صهیونیستی، پشتیبانی دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی یک قدرت بزرگ، ترجیحاً ایالات متحده، امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است. منافع طرفین در گرو این وابستگی و ایجاب می‌نماید تا آمریکا هر وقت که بخواهد رژیم غاصب را برای بکارگیری طرح‌های سلطه جویانه و استکباری خود به کار گیرد. در مقابل و بطور همزمان نیز، این وابستگی امیدها، آرزوها و طعمکاری‌های یهودیان و صهیونیسم را در منطقه جامعه عمل می‌پوشاند (نصرالله، سید حسن: imam-khomeini.ir).

ظرفیت‌های گفتمانی تأثیر گذار انقلاب اسلامی بر رژیم صهیونیستی

آنچه انقلاب اسلامی به آزادی خواهان ارائه کرد، زنده کردن روحیه مقاومت در مقابل اشغالگری و نفی ظالم است. ظرفیت معنوی مبتنی بر گفتمان مقاومت و ساخت قدرت برای مقابله و مبارزه با تجاوزگری و اشغالگری، و ظرفیت مادی مبتنی بر آیه شریفه «واعدو لهم ما استطعتم من قوه» برآورده شدن نیازمندی‌ها به سلاح و تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته جهت مقابله عملیاتی با دشمن صهیونیستی، است. انقلاب اسلامی با ظرفیت‌های مادی و معنوی خود، اتساع و اتصال محور مقاومت را بدنبال داشته و بر ایدئولوژی و راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی تأثیرات منفی گذاشته است.

۵-۱- ماهیت شناختی انقلاب اسلامی: از مهم‌ترین منابع ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران، فقه شیعه است. هر چند دلیل عمده مخالفت جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی، نامشروع دانستن این دولت و پایمال شدن حقوق فلسطینی‌ها و اشغال بیت‌المقدس است اما عده ای از نخبگان و سیاستگذاران در هنگام شکل‌گیری نظام اسلامی بر این باور بودند که با توجه به ریشه‌های مذهبی (شیعی) انقلاب، اصولاً انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی در تضاد ماهیتی

است. حتی پیش از به ثمر رسیدن انقلاب، نگاه مردم و نخبگان ایران به تشکیل دولت رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین با دیده شک و منفی همراه بود. در زمان پهلوی دوم نیز با تمام تلاشی که محمدرضا شاه برای ایجاد روابط با رژیم صهیونیستی داشت همواره این روابط مورد انتقاد جامعه ایران قرار گرفته و این دید منفی در جامعه نسبت به تشکیل و حمایت از رژیم صهیونیستی وجود داشت. (طباطبایی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۹۴). شهید نواب صفوی معتقد بود، حمله رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اسلامی فلسطین چه سرزمین عرب و غیر عرب، حمله به سرزمین اسلام است (حسینیان، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در گفتمان انقلاب اسلامی، فرهنگ شهادت طلبی است که از ابعاد اصلی جهاد و مبارزه حق علیه باطل، به حساب می‌آید. این فرهنگ در تاریخ معاصر با نهضت امام خمینی (ره) آغاز شد و در محور مقاومت گسترش یافت. در سطح فراملی، شهادت طلبی موجب وحدت جهان اسلام و اتحاد بین شیعه و سنی در مقابل قدرت‌ها، عمل کرد. شهادت طلبی در مقابله با اشغالگری، خشونت و تروریسم می‌باشد و مهمترین هدفش، سلب امنیت از دشمن است. انقلاب اسلامی بر نابودی رژیم صهیونیستی به عنوان هدف مطلوب و غایی تأکید دارد (آهویی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱).

۵-۲- سیاست خارجی انقلاب اسلامی: موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی عمدتاً در سه زمینه می‌باشد. حمایت از گروه‌های ضد رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و به طور مشخص گروه‌های فلسطینی و لبنانی درگیر با رژیم صهیونیستی، مخالفت با روند صلح اعراب-رژیم صهیونیستی و سردمداری حرکت‌های ضد رژیم صهیونیستی در صحنه بین‌المللی. به عقیده مقامات رژیم صهیونیستی، سیاست‌ها و ارزش‌هایی که به وسیله ایران دنبال می‌شود در حکم خطری مهم برای رژیم صهیونیستی است (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳) همچنین ج.ا.ایران بر اهمیت به رسمیت شناختن حق بازگشت پناهندگان فلسطینی به کشور خود بر اساس قوانین بین‌المللی و محکوم کردن و زیر سؤال بردن اقدامات رژیم اشغالگر قدس، بر لزوم توجه به حق فلسطینیان تأکید دارد. در این خصوص رهبر معظم انقلاب اسلامی طرح همه‌پرسی از ملت فلسطین را مطرح کردند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد جمهوری اسلامی در رابطه با رژیم صهیونیستی، بر زیر سؤال بردن مشروعیت آن به دلیل ماهیت نژاد پرستانه و توسعه‌طلبانه این رژیم استوار شده است. همچنین ج.ا.ایران موضوع رژیم صهیونیستی را از حوزه تقابل ملی‌گرایانه اعراب و رژیم صهیونیستی به حوزه تقابل جهان اسلام با جهان استکبار تغییر داده و واحد تحلیل را امت اسلامی می‌داند که خارج از مرزهای ایجاد شده استعمار قرار دارد. بر این اساس، مستضعفان و مظلومان جهان از جمله ملت فلسطین، در این واحد معنا می‌یابند که باید به کمک آنها شتافت (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۳۶-۴۲). انقلاب اسلامی، به دنبال شکل‌گیری امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). بنابر این، راه حل جهان اسلام، «قیام‌الله» و نفی تمام آله‌های حیوانی و شیطانی و طاغوتی و نفسانی است؛ قیامی که از درون انسان با جهاد اکبر آغاز و به جهاد اصغر منجر شده است. امت‌گرایی اسلامی بر توانمندی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان می‌افزاید (پیغان، نعمت‌الله، ۱۳۸۰).

انقلاب اسلامی و غده سرطانی صهیونیسم: رهبران جمهوری اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب، رژیم صهیونیستی را غده سرطانی نامیدند و ملت‌ها را از نیات شوم این رژیم مطلع ساختند. امام خمینی در دیدار کادر رهبری حزب امل لبنان فرمودند: «من از سال‌های طولانی راجع به رژیم صهیونیستی و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها گوشزد کرده‌ام به مسلمین که این یک غده سرطانی است در یک گوشه ممالک اسلامی، و این طور نیست که اکتفا بکند به همان «قدس»؛ این‌ها بنایشان بر این است که پیش بروند؛ یعنی این‌ها تابع سیاست آمریکا هستند. آمریکا هم آمالش فقط یکجا نیست» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹/۲/۳۰). غرب و قدرت‌های غربی، از آغاز پیدایش غده سرطانی صهیونیسم در این منطقه، تعامل دوجانبه‌ای را باهم داشتند. متقابلاً وظیفه آنها هم این بوده است که این غده سرطانی را در این منطقه با همه وجود نگه دارند. البته امروز این نقش بیشتر از همه بر عهده آمریکا است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۱۱).

۱- ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا إن الله مع الصابرين: و اختلاف کلمه نداشته باشید که بد دل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می‌رود و شکیبایی کنید که خدواند با شکیبایان است. (سوره انفال، آیه ۴۶)

سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان در چرایی نامگذاری رژیم صهیونیستی به غده سرطانی معتقد است، غده سرطانی خود و بدن را فاسد می کند و به نقطه معینی محدود نمی شود بلکه تا جایی که بتواند پیشروی می کند و این بدان معناست که رژیم صهیونیستی می خواهد جامعه های ما را فاسد کند. ملت های ما را بکشد و بدون هیچ حد و مرزی به توسعه طلبی های خود ادامه دهد. به همین جهت خطر رژیم صهیونیستی محدود به ثروت های طبیعی و سرزمین محدود نیست بلکه رژیم صهیونیستی تمامی ارزش های انسانی، دینی و فرهنگی تمدن اسلامی را نیز تهدید می کند (نصرالله، سید حسن، ۱۳۹۶/۴/۲۷).

جبهه مقاومت و استکبار ستیزی انقلاب اسلامی: پیروزی انقلاب اسلامی از دو جهت در شکل گیری جنبش های اسلامی نقش اساسی داشت. از یک سو موجب اعتماد به نفس مسلمانان در مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی شد و از سوی دیگر، کمک همه جانبه به جنبش های رهایی بخش را در صدر برنامه های سیاست خارجی خود قرار داد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امید رهایی از ظلم و ستم را در دل مسلمانان جهان زنده کرد. توسعه و تقویت جبهه مقاومت با ایده مقابله با استکبار آمریکا و اضمحلال رژیم صهیونیستی فقط به حوزه پیرامونی فلسطین اشغالی محدود نبوده و مناطق اسلامی در لایه های جغرافیایی دورتر از جغرافیای فلسطین را نیز شامل می شود. این توسعه جغرافیایی طی تحولات اخیر در منطقه (۲۰۱۰-۲۰۲۱ م) افزایش داشته و عراق (تشکیل حشدالشعبی) تا سوریه و یمن را نیز دربر گرفته است (خرازی، کمال، ۱۳۹۶: خبرگزاری میزان). بر این اساس، رژیم صهیونیستی تهدیدات مرتبط با خود را به سه لایه شامل تهدیدات پیرامونی به عنوان لایه اول (گروه های جهادی فلسطین و حزب الله لبنان)، تهدیدات لایه دوم (عراق و سوریه و یمن) و لایه سوم (جمهوری اسلامی) تقسیم کرده است (یدیعت احرونوت، ۱۳۹۸/۶/۲۰). طی جنگ نیابتی نیز که از سال ۲۰۱۱ تا کنون توسط محور غربی-عبری-عربی در جهت منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه سوریه به راه افتاده است، جمهوری اسلامی به همراه حزب الله و گروه های هم پیمان خود (فاطمیون، زینیون و حیدریون) توانسته از سقوط نظام سیاسی حاکم بر سوریه جلوگیری کند و همچنان سوریه را به عنوان همپیمان کلیدی در محور مقاومت حفظ نماید.

سوریه به عنوان یک پل ارتباطی میان حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی با محور مقاومت و به عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود (William Samii, 2008:29). این سرزمین به دلیل داشتن امن‌ترین موقعیت راهبردی در روابط با اعراب و رژیم صهیونیستی (Kokayem, 2007: 44E1) باعث تقویت مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی شده است. به همین دلیل، درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و راهبردی این کشور در منطقه است. تلاش جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت سوریه، به عنوان یکی از اعضای محور مقاومت، بر راهبرد ضد صهیونیستی در سال‌های اخیر تأکید دارد. هزینه‌ای که ایران برای حمایت از حکومت سوریه و مقابله با گروه‌های تروریستی تقبل کرد، در منطق امنیتی ایران، به عنوان تعمیق بازدارندگی در قبال رژیم صهیونیستی معنا می‌شود.

حضور چشمگیر نیروهای نظامی ایرانی در جای جای خاک سوریه و در جوار مرزهای سرزمین‌های اشغالی، نه تنها ایران را با ویژگی‌های این منطقه آشنا کرد، بلکه بستری برای عملیات مشترک نظامی با متحدان خود به ویژه حزب‌الله که به معنای افزایش قابلیت‌های نظامی ایران است، مهیا کرد. حضور در سوریه و ایجاد پایگاه‌های نظامی، بازدارندگی در قبال رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد (Anshel Pfeffer, The guardian: 2018.05.11). همچنین جمهوری اسلامی توانسته است با توسعه و تحکیم محور مقاومت در هويت بخشی به این محور، ایجاد پیوند جغرافیایی در این محور و شبکه‌سازی و مردم‌پایه کردن در جریان مقاومت، نقش ایفا کند (کنعانی مقدم، حسین: ۱۴۰۰، خبرگزاری فارس). امروز صهیونیست‌ها خطر مقاومت را در پشت مرزهای خود احساس می‌کنند و تهدید ناشی از این حضور، باعث کاهش اقتدار امنیتی و دفاعی رژیم نسبت به سال‌ها و دهه‌های قبل شده است.

عوامل تضعیف و چالش‌های داخلی رژیم صهیونیستی

صهیونیست‌ها در درون سرزمین‌های اشغالی از چند جهت با بن‌بست و چالش‌های اساسی مواجه شده‌اند. چالش‌های اجتماعی، نژادی و مذهبی، سیاسی، نظامی و امنیتی از مهمترین آنهاست. این چالش‌ها برهم‌کنش و تأثیر مستقیم دارند، بطوری که تقویت یک چالش موجب افزایش دیگر چالش‌ها خواهد شد. از مهمترین چالش‌ها می‌توان به حضور محور مقاومت در نزدیکی

مرزهای این رژیم، وجود نزدیک به دو میلیون عرب (۲۱ درصد از جمعیت مناطق ۱۴۸)، نرخ بالای رشد جمعیت در میان اعراب مناطق ۴۸ و برهم خوردن توازن جمعیتی میان اعراب رژیم صهیونیستی و یهودیان تا سه دهه آینده، دستیابی ج.ا.ایران به تکنولوژی هسته‌ای صلح آمیز، اقتدار گفتمان انقلاب اسلامی و نفوذ آن در بین ملت‌های منطقه، اشاره کرد. برای مقابله با چالش حضور نیروهای مقاومت در مرزهای فلسطین، رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر تلاش کرده تا از طریق ایجاد دیوارهای بتنی در اطراف خود، امنیت زمینی را در مرز با لبنان و غزه بوجود آورد و به نوعی یک زندان بزرگ را دور خود ایجاد کند.

چالش اجتماعی رژیم صهیونیستی: وعده به یهودیان صهیونیست در قرن بیستم برای مهاجرت به سرزمین فلسطین جهت برپایی کشور یهودی با ایده فراسرزمینی نیل تا فرات، منجر به مهاجرت آنها از دولت‌های مختلف با فرهنگ و اجتماع متفاوت شد. در واقع مهاجرانی که هسته اصلی جامعه صهیونیستی را بنا کردند، دارای خاستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت بودند که فقط در یهودی بودن با هم اشتراک داشتند. لذا بافت اجتماعی در این رژیم بافتی مصنوعی و فاقد مکانیسم‌های سازنده انسجام درونی در حوزه اجتماعی است (درخشه، ۱۳۹۱: ۲). در دهه‌های ابتدایی، بن‌گورین و رهبران سابق سازمان صهیونیسم، انسجام نیم‌بند را در میان یهودیان سرزمین فلسطین، حفظ کردند اما با گذشت زمان و مرگ رهبران کاریزماتیک، این اجتماع ناهمگون با چالش‌های مختلفی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، جمعیتی و راهبردی مواجه شد تا جایی که به حوزه فکری و گفتمانی آن نیز سرایت نموده است. این تغییرات با بازنگری در صورت بندی‌های گفتمان صهیونیسم، آسیب شناسی و سنجش میزان تحقق وعده‌ها و اهداف، چالش نوین فکری را پیش روی جامعه و هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی قرار داده است تا جایی که روند تشابهات بسیاری با جریان پسامدرنیسم در برابر مدرنیته در غرب داشته و از آن به عنوان پصاصهیونیسم نام برده می‌شود. براساس این دیدگاه، پصاصهیونیسم گذار از شکاف‌ها و اختلاف‌های اجتماعی و از اصول دموکراسی است که خواستار حذف مرزهای مذهبی و قومی و حاکمیت آزاد مذهبی، بدون

۱- طبق اعلام اداره مرکز آمار رژیم صهیونیستی در پایان سال ۲۰۲۱م: جمعیت فلسطین اشغالی ۹ میلیون و ۹۲۱ هزار نفر است که از این میان تعداد ۶ میلیون و ۸۷۰ هزار نفر یهودی (۷۳،۹ درصد) و ۱ میلیون و ۹۵۶ هزار نفر مسلمان عرب (۲۱،۱ درصد) و ۴۶۵ هزار نفر (۵ درصد) از ادیان دیگر (مسیحی و شرکس) هستند.

سلطهٔ یهود است (امیرشاه کرمی، ۱۳۸۵: ۶۸). بر این اساس، شکاف‌های اجتماعی در رژیم صهیونیستی از تقابل‌های ساختاری است که موجب گسست و گروه‌بندی در ساخت جامعه می‌شود. صهیونیست‌ها اختلاف‌های اساسی در مورد مسائل اصلی جامعه داشته و نوعی دو قطبی را در جامعه پدید می‌آورند و همسو کردن دیدگاه‌های متفاوت آنها، به آسانی امکان‌پذیر نیست (احمدوند، ۱۳۸۹: ۶).

۶-۲- چالش نژادی و مذهبی: نرخ پایین رشد جمعیت صهیونیست‌ها در مقایسه با نرخ بالای رشد جمعیت عرب‌های ۱۹۴۸ از تهدیدهای غیرمستقیم متوجه رژیم صهیونیستی است. این مسئله به قدری مهم است که جان کری، وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، آذرماه ۹۲ در مجمع یهودی «سابان» آن را به عنوان دومین تهدید جدی بعد از تهدید موشکی ایران، برای رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. تغییر توازن جمعیتی به نفع فلسطینیان، که از آن با عنوان «بمب جمعیتی» تعبیر می‌شود یکی از نگرانی‌های مهم رژیم صهیونیستی است. (ایسر، ۲۰۱۴: side.org.il) طبق آمارها، درصد رشد جمعیت فلسطینیان نسبت به رژیم صهیونیستی در حدود یک و نیم برابر است و این به خوبی بیانگر چالشی اجتماعی-نژادی برای آینده رژیم صهیونیستی خواهد بود. در حالی که مهاجرت که باب اصلی افزایش جمعیت بوده افول کرده و از سویی، جمعیت فلسطینی‌ها در حال افزایش است، صهیونیست‌ها این مسئله را چالشی هویتی می‌بینند که می‌تواند کیان آنها را به مخاطره بیندازد.

از دیگر مسائل مرتبط به این چالش، باید به اختلاف بین مذهبی‌ها و سکولارها در داخل جامعه رژیم صهیونیستی اشاره کرد. اکثر رهبران رژیم صهیونیستی، از یهودیان سکولار هستند. سکولارها منظورشان از ایجاد سرزمین یهودی حفظ ملت یهود یا نژاد یهود در مقابل سایر ملیت‌ها است (صفاتاج، ۱۳۹۸: ۱). ارتدوکس‌های مذهبی که مذهب در زندگی آنها جایگاه ویژه‌ای دارد، همیشه با سکولارها و صهیونیسم روابط تقابلی و منازعه‌آمیز داشته و حتی قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی نیز این رابطه وجود داشته است. این دسته از یهودیان مذهبی سنت‌گرای مخالف با صهیونیسم، انگیزه خود را چنین بیان می‌کنند: «جنبش صهیونیستی ایدهٔ «ملت یهود» را از محتوای دینی آن، که تقید به تعالیم شریعت هالاخا است، تهی کرده و ملت یهود را همانند یکی دیگر از

ملت‌ها ساخته که نه به قداست تورات معتقد است و نه شعائر آن را به جا می‌آورد» (ماضی، ۱۳۸۱: ۱۴۷). نیاز رژیم صهیونیستی به مذهب به عنوان مؤلفه همبستگی بین جامعه یهودیان ارتدوکس سستی از یک سو و ضرورت به حاشیه راندن مذهب به منظور ایجاد تساهل و تسامح مورد نظر اقلشار مدرن از سوی دیگر، باعث شده تا رابطه دین و دولت در رژیم صهیونیستی به صورتی تناقض آمیز، شکل نیابد و به حالت سیال و در حال گذار درآید (Zadok & Edi, 1993:10).

از نظر تقسیم بندی نژادی، یهودیان به دو دسته «اشکنازی و سفاردی» تقسیم می‌شوند. اشکنازی‌ها یهودیان غربی هستند که شهروندان درجه یک و از موقعیت اجتماعی برتری در رژیم صهیونیستی نسبت به سفاردی‌ها که یهودیان شرقی هستند برخوردارند. سفاردی‌ها شهروندان درجه دو به حساب می‌آیند و شهروندان عرب نیز به عنوان شهروندان درجه سه تقسیم می‌شوند. همین تقسیم بندی و نگرش در رژیم صهیونیستی، موجب اختلافات شدید در میان اقوام شده است (Silberstine, 1999: 90).

به هر حال جامعه ناهمگون رژیم صهیونیستی که خاستگاه مختلف داشته و از طبقات و اقلشار اجتماعی متفاوت هستند، بیش از هر چیز بر مصنوعی بودن ساختار جمعیتی رژیم صهیونیستی دامن زده است. وجود این معضل و شکاف‌های اجتماعی، آینده رژیم صهیونیستی را با تهدیداتی روبرو خواهد کرد و حتی برای سیاستمداران رژیم صهیونیستی نیز مشخص نیست که جامعه رژیم در چنین وضعیتی، تا چه میزان قابلیت فشارهای وارده از بیرون را داراست. برای نمونه در جنگ اخیر «شمشیر قدس» با مقاومت اسلامی در غزه (۱۱ روزه ۲۰۲۱م)، جدا از جنگ در جبهه غزه، شهروندان عرب نیز در داخل مناطق ۴۸، به خیزش برخاستند و دولت و نظامیان صهیونیست را با چالش مواجه کردند. همزمان با این خیزش شهروندان عرب، موجی از نارضایتی در بین برخی صهیونیسم‌های سکولار هم که از سوی غزه آماج حملات موشکی و هم در داخل از خیزش عرب‌ها مورد آسیب واقع شده بودند، بوجود آمد. لذا، یکی از عوامل شکست رژیم صهیونیستی در جنگ شمشیر قدس، نقش شهروندان عرب علیه منافع صهیونیستی در داخل و همچنین فشار برخی یهودیان سکولار بود که منجر به تسلیم دولت رژیم و پذیرفتن شکست در مقابل غزه شد. بر این اساس، احتمالاً در صورت وارد آمدن فشار سنگین از خارج و حتی هم زمان شدن فشارهای

خارجی و داخلی با همدیگر، شیرازهٔ جامعه رژیم صهیونیستی از هم گسسته و با فروپاشی از درون مواجه شود.

چالش سیاسی رژیم صهیونیستی: از چالش‌های سیاسی رژیم صهیونیستی باید به اختلاف‌های بین احزاب سیاسی که بخش عمده آن مرتبط با نحوه نگرش و برخورد آنها با فلسطینی‌ها و همچنین سیاست خارجی رژیم در تقابل با محور مقاومت است، اشاره کرد. رویکرد متناقض از سوی احزاب (چپ، راست و میانه) درباره دشمنی و یا راه حل در برخورد با فلسطینی‌ها مطرح می‌باشد. چپ‌گراها بر حق فلسطینیان و اجرای مذاکرات جهت ایجاد دو کشور در سرزمین‌های اشغالی معتقد هستند. در حالی که راست‌گراها بر عدم امتیاز دهی به فلسطینیان و اشغال تمام سرزمین‌های فلسطین تأکید دارند. اقلیت عرب (۲۱ درصد) که دارای احزاب و کرسی در کنست رژیم هستند نیز دولت رژیم صهیونیستی را به عنوان دولتی یهودی نمی‌پذیرد. برای احزاب ارتدوکس راست‌گرای افراطی، قوانین مندرج در کتاب مقدس، مبنای وضع قوانین و حاکمیت قانون محسوب می‌شود. در همین راستا، چپ‌گراها و میانه‌روها بر همراهی با آمریکا در تقابل با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران بویژه در مسائل هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و موشکی معتقد هستند. اما راست‌گراها مسائل مذکور را تهدید موجودیتی فوری برای رژیم صهیونیستی دانسته و بر لزوم مقابله با آنها حتی بدون آمریکا، تأکید دارند (یدیعوت احرونوت، ۱۴۰۰/۱۰/۱۵).

قبل از قرن ۲۱، احزاب سکولار بر سیاست رژیم صهیونیستی حاکم بودند. ابتدا گروه‌های صهیونیست برآمده از شرق اروپا و روسیه که نگاه سوسیالیستی داشتند و از پایان دهه ۱۹۷۰ نیز، قدرت در دست گروه‌های سرمایه‌دار برآمده از غرب بود. در این دو دسته اعتقادات مذهبی در اولویت قرار نداشت و بیشتر نگاه سکولار داشتند. از اوایل قرن جاری میلادی، مذهبی‌های تندرو به قدرت نزدیک شده‌اند و تعداد آنها نیز در حال افزایش است. این امر چالش‌های سیاسی در حکومت را در پی داشته است (صفاتاج، ۱۳۹۸: ۲).

این اختلاف‌های سیاسی به نوبه خود منجر به افزایش بیشتر شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی فزایندهٔ ساکنان سرزمین‌های اشغالی به حاکمان این رژیم شده است. به گونه‌ای که طی دو سال (۲۰۱۹ - ۲۰۲۱)، چهار انتخابات پارلمانی در سرزمین‌های اشغالی برگزار شد، اما هیچ‌یک از

نتایج این انتخابات منجر به ایجاد ائتلافی که بتواند یک دولت مستقر تشکیل دهد، نگردید. دولتی نیز که در سال ۲۰۲۱ تشکیل شد از ائتلاف چندین حزب با تفکرات و دیدگاه‌های متفاوت (چپ تا راست افراطی) می‌باشد که استمرار حیات آن برای دوره ۴ ساله با علامت سؤال مواجه است. این چالش سیاسی نتیجه چالش‌های اجتماعی، نظامی و امنیتی رژیم اشغالگر است که قدرت محور مقاومت بر آنها اثرگذار بوده است.

چالش نظامی-امنیتی: رژیم صهیونیستی در بُعد عملیاتی بدنبال ایجاد وضعیتی است تا بر محیط روانی و ادراکی محور مقاومت تاثیر بگذارد. لذا اهداف و راهبردهای نظامی و امنیتی خود را عملگرایانه شکل داده تا تصویرسازی بوجود آمده برای گروه‌های مقاومت، بطور مستقیم برداشتی از تهدید رژیم صهیونیستی باشد. با توجه به نظریه موازنه قدرت، رژیم صهیونیستی به ایجاد و حفظ راهبرد تهاجمی پرداخته و چنین راهبردی را با داشتن ارتش بزرگ، تسلیحات تهاجمی پیشرفته و استقرار صفوف نظامی پیگیری کرده است. سه اصل مهم در این راهبرد که نشأت گرفته از دکترین پیرامون^۱ بن‌گورین است بر غافلگیری، انتقال جنگ به داخل سرزمین دشمن و ابتکار عمل تمرکز دارد (بصیری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

همچنین شکست ناپذیری در جنگ با همسایگان، مفهومی بود که رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل بویژه جنگ ۱۹۶۷ به بعد، به آن باور داشت. اما ظهور جنگ‌های خلاف این الگو مخصوصاً زمانی که طرف مقابل به جای دولت‌ها، گروه‌های مخالف شامل حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت در نوار غزه به پیروزی‌هایی دست می‌یافت و دیوار امنیتی این رژیم را به انحای مختلف در معرض تهدید قرار می‌داد، آسیب‌پذیری این رژیم را یک بار دیگر به صدر نگرانی‌های امنیتی آن بازگرداند (Jeremy Sharon, The guardian: 2010.07.12). سیر نزولی اقتدار نظامی رژیم صهیونیستی با فرار از جنوب لبنان در جنگ با حزب الله لبنان در سال ۲۰۰۰م شروع گردید. شکست در جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ با حزب الله و پس از آن در چند جنگ با

۱. دیوید بن‌گوریون نخست وزیر رژیم صهیونیستی در ابتدای دهه ۱۹۵۰ دکترین پیرامون را توسعه داد این اقدام بر اساس فرضیه ای بود که رژیم باید روابط نزدیکی با کشورهای غیرعربی منطقه برقرار کند تا خود را از همسایگان عرب خصمانه محافظت نماید.

نیروهای مقاومت غزه، تبیین کننده خدشه‌دار شدن هیمنه شکست‌ناپذیری و از بین رفتن اقتدار این رژیم بوده است (اسماعیلی، مرتضی: KHAMENEI.IR). جنگ‌های گروه‌های فلسطینی در غزه با رژیم صهیونیستی تداوم راهبرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر جنگ‌های نامنظم و ضربه به دیوار امنیتی این رژیم بود. موشک‌ها و راکت‌های شلیک شده به مناطق صهیونیستی که با خسارت مادی و کشته و زخمی همراه بود، تصویر ضربه‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را از بین برد (رویوران، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۳). بررسی روند جنگ‌های رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت از سال ۲۰۰۶م به بعد نشان می‌دهد که اصول دکترین بن‌گورین با مشکل مواجه شده است.

تجزیه و تحلیل مسئله افول رژیم صهیونیستی

مجموعه عواملی موجب شده است تا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، مؤلفه‌های قدرت و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی با مشکل همراه شود. توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و پافشاری بر عملیاتی شدن این گفتمان باعث شده تا روحیه فلسطینیان در داخل و آوارگان برای بازگشت و اصرار بر آزادسازی تمام سرزمین‌های اشغالی از «بحر تا نهر» احیاء شود. این تعصب باعث شده تا رژیم صهیونیستی با واقعیات اجتماعی مختلفی روبرو شود و موضوع ایجاد کشور یهودی و دموکراتیک همراه با امنیت و آرامش در ایده صهیونیسم با چالش‌های متعددی روبرو شود.

در داخل، امروز چهار طیف در رژیم صهیونیستی وجود دارد، عده‌ای که معتقد به بقاء و حیات رژیم صهیونیستی از طریق تداوم خروج از اراضی فلسطینیان (مناطق ۶۷) و تمکین به تشکیل دولت مستقل فلسطین هستند. عده دیگر تهدید اصلی رژیم صهیونیستی را تروریسم و کشورهایی می‌دانند که در تلاش برای مسلح شدن به سلاح هسته‌ای می‌باشند. گروه سوم عدم عقب‌نشینی از آموزه‌های تحریف شده مذهبی را متعصبانه دنبال می‌کنند و هر گونه عقب‌نشینی فکری و سرزمینی را خیانت به آرمان اولیه صهیونیسم می‌دانند. گروه چهارم موسوم به جریان پساصهیونیسم که به گروه اول نزدیک هستند، تجدید نظر جدی در ایده صهیونیسم به همراه واکاوی و لزوم بازنگری در عملکرد و میزان تحقق اهداف صهیونیسم را خواستار است. این ایده جدید به دلیل تطبیق با شرایط سیاسی و اجتماعی، همراهی افکار عمومی و آکادمیک را به همراه دارد (سهرابی، ۱۳۹۳: ۲).

در منطقه، نتایج تحولات اخیر و پافشاری محور مقاومت بر آزادسازی فلسطین از اشغال رژیم صهیونیستی، با شکست راهبردهای رژیم همراه بوده است. رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر برای مقابله با اتصال سرزمینی مقاومت و توسعه منطقه‌ای، راهبرد «نبرد بین جنگ‌ها» (مبام) برای حمله و انهدام تجهیزات و توانمندی مقاومت جهت تضعیف محور را در پیش گرفت اما پس از چند سال حملات متوالی (۲۰۱۲-۲۰۲۱) بارها سران نظامی و سیاسی رژیم به ناکارآمد بودن این راهبرد اذعان کرده‌اند. وزیر سابق اطلاعات رژیم صهیونیستی درباره تعداد عملیات نظامی در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۷ گفته است که رژیم صهیونیستی بیش از ۲۰۰ بار اقدام نظامی در خاک سوریه انجام داده است. او درباره اهداف حملات رژیم صهیونیستی در سوریه بیان می‌کند که اکثر مناطقی که مورد حمله قرار گرفته‌اند در نزدیکی مرز لبنان بوده است (etal, Humud, 2017:14). علاوه بر این، اویو کوخاوی رئیس ستاد کل ارتش رژیم رژیم صهیونیستی در پایان سال ۲۰۲۰م اعلام کرد که از ابتدای بحران سوریه تا کنون، رژیم صهیونیستی به حدود ۵۰۰ هدف در سوریه حمله کرده است. اما این تعداد حملات، نتوانسته از عزم محور مقاومت و کوتاه آمدن از اهداف این محور بکاهد.

در بحث تسلیحات، گروه‌های مقاومت از نظر کمی و کیفی پیشرفت کرده‌اند. در گزارش‌های نظامی رژیم صهیونیستی که طی سال‌های اخیر منتشر شده (۲۰۱۵-۲۰۲۱)، بطور مستمر به تجهیز حزب‌الله به موشک‌هایی با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر که قادر است دیمونا (مرکز هسته‌ای رژیم صهیونیستی) را هدف قرار دهد و انواع موشک‌های ضد هواپیما و ضد بالگرد اشاره شده است. تمامی نهادهای امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی بر این موضوع توافق دارند که حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطین نسبت به گذشته قوی‌تر شده‌اند. این موضوع می‌تواند تأثیر قابل توجهی در تغییر موازنه قدرت در مقابل رژیم صهیونیستی، داشته باشد (Blanford, 2017:18).

بنابراین تهدید انقلاب اسلامی، نیروهای حزب‌الله در شمال و گروه‌های مقاومت در جنوب فلسطین به احساس ناامنی در رژیم صهیونیستی منجر شده است. تقویت و تداوم این تهدیدات که ناشی از افزایش قدرت مقاومت است بر چالش‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی جاری می‌افزاید. طبق برخی گزارش‌های جدید در رژیم صهیونیستی، این رژیم قبل از اینکه از سوی ایران یا

1- The War Between The Wars: המלחמה בין המלחמות

گروه‌های مقاومت تهدید شود به علت بحران داخلی فرو خواهد پاشید. در راهبرد رژیم صهیونیستی، بیم به فروپاشی داخلی به جای گزینه نظامی، وارد شده که در کنفرانس‌های پانزدهم تا نوزدهم هرتزلیا (۲۰۱۵-۲۰۱۹م) آشکارا مورد تأکید سیاستمداران و کارشناسان این رژیم قرار گرفته است. در کنفرانس پانزدهم، «رئوون ریولین» رئیس سابق رژیم صهیونیستی (۲۰۱۴-۲۰۲۱) به صراحت اعلام کرد که شکاف‌های جمعیتی و نژادی به مهمترین تهدید علیه رژیم تبدیل شده است. وی این تهدید را تقسیم بندی جامعه رژیم صهیونیستی به «طوایف چهارگانه» شامل سکولارها، صهیونیسم دینی، ارتدوکس (مذهبی افراطی) و عرب‌ها (فلسطینی‌های ۴۸) عنوان کرد که منجر به اختلاف‌ها و قطبی شدن جامعه صهیونیستی شده و عدم معالجه آن، تبعات سختی را در آینده بدنبال خواهد داشت (۷ ژانویه ۲۰۱۵). این چهار گروه، چهار شکاف اجتماعی را ایجاد کرده‌اند که در این باره، رژیم صهیونیستی با دو بحران مواجه است: بحران هویت و بحران اجتماع.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پاسخ به علل تأثیر انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت بر رژیم صهیونیستی، نشان داد که تضعیف و آسیب‌پذیری رژیم را بدنبال داشته و مشکلات درونی آن را تشدید کرده است. نفوذ و توسعه منطقه‌ای ایران، افزایش بازدارندگی را به همراه داشته که حاصل آن فشار بر رژیم در حوزه‌های مختلف نظامی، سیاسی و اجتماعی است. انقلاب اسلامی با آشکار سازی هویت جعلی رژیم صهیونیستی، بر عدم پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین و تأکید بر ضرورت مبارزه با رژیم صهیونیستی، تأکید دارد و با تشکیل، تقویت و هدایت گروه‌های مقاومت جهادی مسیر تقابل سخت با رژیم صهیونیستی در جهت تحقق آرمان‌های فلسطین را بوجود آورده است. جمهوری اسلامی با اعمال گفتمان‌های دیگری و قدرت، موجب افزایش توانمندی محور مقاومت و توسعه جغرافیای آن شده به نحوی که تهدید وجودی علیه رژیم صهیونیستی را از حرف به عمل نزدیک کند. اقتدار حاصل از این گفتمان مقاومت، گروه‌های فراملی و ملت‌های آزاده در منطقه را به جبهه مبارزه و مقابله با رژیم صهیونیستی سوق خواهد داد. سمت و سوی تحولات اخیر منطقه در سوریه و عراق و یمن با پیروزی محور مقاومت در تثبیت معادله «اتحاد و اقتدار» است و دستاورد آن افزایش توانمندی‌های رزمی و تجربیات

نظامی، فنی و تسلیحاتی نوین بوده که در منازعه آینده در برابر رژیم صهیونیستی، تاثیرگذار خواهد بود. این عوامل با ارتقای کفه بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی همراه خواهد بود.

محور مقاومت به عنوان کانون نفوذ و قدرت‌سازی ایران در منطقه و همسایگی رژیم صهیونیستی است. همچنین توسعه محور مقاومت و هژمونی انقلاب اسلامی موجبات افول رژیم صهیونیستی را در پی داشته و به عامل ممانعتی در مقابل رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. مقایسه وضعیت فعلی جمهوری اسلامی با وضعیت عراق و سوریه در حملات سابق رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای اوسیراک عراق (۱۹۸۱م) و تاسیسات هسته‌ای دیرالزور سوریه (۲۰۰۷م) شواهدی بر این مدعاست. براساس سنت الهی، با تقویت و قدرت گرفتن حق، باطل از بین خواهد رفت. نفوذ گفتمان و قدرت مقاومت در منطقه به عمیق شدن گسل اختلاف‌ها و گسست‌های اجتماعی موجود در داخل سرزمین‌های اشغالی سرعت می‌بخشد و افزایش قطبی شدن جامعه صهیونیستی را به همراه خواهد داشت. افزایش بحران‌های داخلی و همزمانی آن با رشد تهدیدهای خارجی ناشی از گفتمان مقاومت، آینده رژیم صهیونیستی را با علامت سوال جدی مواجه خواهد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- احمدوند، شجاع، رجیبی قره قشلاقی، جعفر (۱۳۸۹)، شکاف‌های اجتماعی و امنیت ملی در رژیم صهیونیستی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم.
- احمدی، وحیده (۱۳۹۸)، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- اسماعیلی، مرتضی، زوال رژیم صهیونیستی: قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی، آیت الله خامنه‌ای.
- امیدوار، احمد، یکتا، حسین (۱۳۷۹)، امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی. تهران: سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا.
- امیرشاه کرمی، مریم (۱۳۸۵)، فراصهیونیسیم، تقابل یا تداوم صهیونیسیم، تهران: کیهان.
- آهوئی، مهدی، سامعی، حانیه (۱۳۹۵)، سیر تکامل مفهوم «صهیونیسیم ستیزی» در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۹.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۹)، امکان سنجی رویارویی نظامی رژیم رژیم صهیونیستی با ایران، فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، سال دوم، شماره ۳.
- بصیری، محمدعلی، یزدانی، عنایت الله، شادمانی، مهدیه (۱۳۹۷)، راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و موازنه تهدید با ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷.
- پیغان، نعمت الله (۱۳۸۰)، امت واحده از همگرایی تا واگرایی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، یادگفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینیان، روح الله (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی (زمینه‌ها - چگونگی و چرایی)، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۴۰)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حقیقت، صادق، حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- درخشه، جلال، صادقی زاده، کسری (۱۳۹۱)، آسیب شناسی ساختاری رژیم صهیونیستی با تأکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال سیزدهم، شماره بیستم.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- رویوران، حسین (۱۳۸۵)، دستاوردهای پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۷، ش ۲۶ و ۲۷.
- زبردست، میلاد (۱۳۹۷)، سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال محور مقاومت، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره ۳۵.
- صفاتاج، مجید: زوال رژیم صهیونیستی، مصاحبه: KHAMENEI.IR.
- طباطبایی، سید محمد؛ سلیمانی، علی (۱۳۹۲)، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی: گسترش فضای هنجاری و تهدیدات ارزشی متقابل، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۷، زمستان.

عرب عامری، جواد، جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی نگاه به رژیم صهیونیستی در گفتمان سیاست خارجی ایران، (مطالعه موردی گفتمان غرب گرای پهلوی دوم و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره))، فصلنامه راهبرد، سال ۲۵، شماره ۸۰، صص ۳۵-۶۶.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۰)، «فلسطین، رژیم صهیونیستی و انتفاضه، نزاع بر سر هویت»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، ج ۷.

فونتن، آندره (۱۳۶۹)، تاریخ جنگ سرد، ترجمه علیرضا هوشنگ مهدوی، جلد دوم، تهران، نشر نو، ص ۱۶۵.

قربانی، مصطفی، غفاری، سلیمان، کارگر شورکی، علی (۱۳۹۹)، راهبردنگاری نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت اسلامی با تحلیل SWOT. مطالعات سیاسی جهان اسلام.

قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۳)، تحلیل تکوین گرایانه سیاست خارجی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۳.

ماضی، محمد، (۱۳۸۱)، سیاست و دیانت در رژیم صهیونیستی. ترجمه سیدرضا تهامی، تهران: سنا.

محمودی، مرتضی و دیگران، امنیت ملی رژیم صهیونیستی و استراتژی تهدید نظامی علیه ج.ا.ایران: prb.iauctb.ac.ir

محیطی اردکان، محمد علی، قانعی اردکانی، علی (۱۳۹۸)، پژوهشی در میانی نظری پیش بینی مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶، شماره ۵۹.

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۴۰۰)، نقش انگلیس و آمریکا در شکل گیری رژیم غاصب رژیم صهیونیستی، historydocuments.ir

معینی پور، مسعود، لک زایی، رضا (۱۳۹۱)، ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.

نش، کنت (۱۳۸۹)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

نصرالله، سید حسن (۱۳۹۶)، امام خمینی(س) و رویارویی با صهیونیسم، کنگره تبیین انقلاب اسلامی، ایدئولوژی رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۴۷۳: imam-khomeini.ir/

<http://farsi.khamenei.ir>
<http://qodsna.com>
<https://www.timesofisrael.com>
www.farsnews.ir
www.mizan.news
www.roshdmag.ir

منابع عبری:

<https://www.idc.ac>
www.ynet.co.il
www.haaretz.co.il
www.cbs.gov.il

رونن شوویل، (۲۱ ژانویه ۲۰۱۴). (מהי הבעיה הדימוגרפית האמיתית: مشکل واقعی جمعیت و دموگرافی رژیم صهیونیستی چیست). روزنامه عبری معاریو: maariv.co.il.

اریبه ایسر، (۲۶ آگوست ۲۰۱۴). (הדימוגרפיה היא בצלציה מתקתיקת: דמוגרפי رژیم صهیونیستی، بمب
on-the-left-side.org.il. (ساعتی)

منابع انگلیسی:

- Abadi, Jacob. 2004. Israel's Ques for Recognition and Acceptance in Asia: Garrison State Diplomacy. London :Routledge [DOI:10.4324/9780203504147]
- Blanford, Nicholas. (2017). "Countering this Violent Transnational Movement: Responses and Scenarios". Report Subtitle: From Lebanese Militia to Regional Player. Middle East Institute (2017). From: <http://www.jstor.com/stable/resrep17563.5>
- Fairclough, Norman (2001), Language & Power, London: Longman, 2nd Edition. Howarth, D. Norval, A. Stavrakakis, G). 2000) Discourse Theory & Political Analysis, Manchester University Press
- Silberstine, Laurancej (1999), "The post Zionism debates, knowledge and power in Israeli cultere", routledge. Ney York.
- Zadok , Ben, Efraim, Edi (1993), "Local Government & The Israeli Policy: Conflict of Val,es & Interests,U.S.A,state", U.p. of New York.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی